

تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دانش آموزان دختر بی سرپرست سمیه کشاورز^۱ و علیرضا کاکاوند^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اثر بخشی آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دختران بی سرپرست شهر تهران انجام شد. روش این پژوهش، نیمه آزمایشی و از نوع طرح‌های پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. تعداد ۴۰ نفر از دانش‌آموزان که دارای مشکلات سلوکی بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه ۲۰ نفره آزمایش و کنترل قرار داده شدند. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه تشخیص اختلال سلوک شهریوری و همکاران استفاده شد. دوره آموزشی مهارت حل مسئله در ۷ جلسه در طول ۷ هفته برگزار گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کواریانس یک راه استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش الگویابی حل مسئله در کاهش مشکلات سلوکی موثر است. در واقع، آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی باعث کاهش پرخاشگری، خرابکاری، روابط بین فردی ضعیف و افزایش مسئولیت‌پذیری در دختران بی سرپرست می‌باشد. بنابراین، یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که از آموزش الگویابی حل مسئله اجتماعی به عنوان شیوه‌ای برای کاهش میزان اختلال سلوک دانش‌آموزان می‌توان استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش الگویابی حل مسئله، مشکلات سلوکی، دختران بی سرپرست

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

۲. نویسنده‌ی رابط: دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

(ali_reza_kakavand@yahoo.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۳/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۱۴

DOI: 10.22098/JSP.2017.586

مقدمه

اختلال سلوک یکی از رایج ترین اختلالات دوران کودکی و نوجوانی بوده و از عمده ترین دلایل ارجاع به مراکز درمانی است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۲). این اختلال الگوی رفتاری پایدار، با مشخصه پرخاشگری و تجاوز به حقوق دیگران است (بک^۱، ۲۰۰۸). کودکان مبتلا به اختلال سلوک به شدت در معرض طرد همسالان، عملکرد ضعیف تحصیلی، افزایش رفتار پرخاشگرانه و همچنین آماده ابتلاء به اختلال‌های خلقی، مصرف مواد، بزهکاری و اختلال شخصیت ضد اجتماعی در بزرگسالی هستند (چیباندا و همکاران^۲، ۲۰۱۱).

نتایج تحقیقات نشان می دهد که خشم ابراز نشده در این افراد باعث افزایش خصومت درون فرد می شود و به عملکرد او در موقعیت‌های بین فردی، اجتماعی و موقعیت شغلی آسیب می رساند (دلوجیو و اولری^۳، ۲۰۰۳؛ به نقل از کابوسی و قربانی، ۱۳۹۵). این کودکان به جای توجه و یادآوری نشانه‌های اجتماعی مثبت در تعامل‌های بین شخصی به علایم اجتماعی خصومت آمیز توجه می کنند. در واقع بسیاری از افراد مبتلا به اختلال سلوک مشکل ابراز همدردی و ندامت دارند و اغلب اعمال دیگران را بد تعبیر می کنند (کارولین^۴ و همکاران، ۲۰۱۷؛ محمد اسماعیل، ۱۳۸۴).

میزان شیوع بالای اختلال سلوک در بین کودکان و نوجوانان، روند شدت یافتن آن در طول زمان و هزینه‌های سنگینی که در صورت عدم درمان به فرد، خانواده و جامعه تحمیل می کند، آن را به یکی از چالش‌های اساسی در حوزه اختلال‌های کودکان تبدیل نموده است. افراد بی سرپرست نیز گروهی از افراد با شرایط ویژه هستند که میزان‌های بالاتر مشکلات رفتاری و عاطفی و عملکرد ضعیف تحصیلی را نسبت به سایر افراد تجربه می کنند. چراکه دانش‌آموزان

-
1. Beck
 2. Chibanda, Mesu, Kajawu, Cowan, Araya & Abas
 3. Delvecchio & Oleiri
 4. Caroline

بی سرپرست، تحت حمایت سازمان‌های حقوقی قرار دارند و این سازمان‌ها بیشتر نیازهای اولیه و اساسی مانند نیازهای فیزیولوژیک این گروه را تأمین می‌کنند و سایر نیازهای عاطفی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که بی سرپرستان تحت حمایت خانواده‌های معمولی در مقایسه با بی سرپرستان تحت نظر نهادها و سازمان‌های حمایتی، مهارت‌های سازشی بهتر و ناراحتی‌های عاطفی کمتری را نشان می‌دهند (ولف و فسه‌ا، ۲۰۰۵).

در مورد علل ایجاد اختلال سلوک تحقیقات زیادی انجام شده است و داده‌های قابل توجهی وجود دارند که بر نقش عامل ژنتیک قویا تأکید می‌کنند و نشان می‌دهند که تاثیرات ژنتیک می‌تواند شدیداً تحت تاثیر محیط قرار گیرد. تعارضات خانوادگی و زناشویی، میزان وابستگی به خانواده، عدم بروز پاسخ هیجانی مناسب والدین، طلاق و جدایی والدین نقش انکارناپذیری در ایجاد علائم اختلال سلوک دارد (کابوسی و قربانی، ۱۳۹۵؛ مورل^۱، ۲۰۰۳).

برای رهایی از اثرات مخرب اختلال سلوک بر خود فرد، خانواده، مدرسه و در نهایت جامعه باید برنامه‌ها و راهکارهای موثر درمانی اندیشیده شود. یک رویکرد برای جلوگیری از اختلالات رفتاری کاربرد مداخلات شناختی-رفتاری است. در این رویکرد، بر آموزش مهارت‌های شناختی که بسیاری از افراد مبتلا به اختلال سلوک در آنها نقص دارند تأکید می‌شود. همچنین بر بکارگیری این مهارت‌ها در موقعیت‌های بین فردی تأکید شده است (چو، ۲۰۱۴).

در حوزه درمان شناختی رفتاری، گونه‌های متنوعی از روش‌های درمانی برای مواجهه با اختلالات عرضه شده است. یکی از روش‌های درمانی در این حوزه، آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی می‌باشد که تنوعی از پاسخ‌های بدیل و بالقوه را برای مقابله با شرایط مشکل ساز فراهم می‌کند و امکان انتخاب بهترین و مؤثرترین پاسخ‌های بدیل را افزایش می‌دهد (گیلس و کلانی^۳،

-
1. Wolff & Fesseha
 2. Morell
 3. Gellis & Kenaley

تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دانش آموزان دختر بی سرپرست

(۲۰۰۸). آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی را از بسیاری جهات می توان به مثابه فرآیند کمک به افراد برای رشد آن‌ها و در نتیجه افزایش احتمال مقابله مؤثر در طیف وسیعی از موقعیت‌ها دانست (عطادخت، نوروزی و غفاری، ۱۳۹۲). طی این فرآیند افراد منابع مقابله مؤثر با وقایع فشارزای زندگی را کشف یا شناسایی می کنند (اسکین، ارتکین و دمیر،^۱ ۲۰۰۸). این مهارت موجب خط مشی‌های هدفمندانه خاصی می شود که افراد به وسیله‌ی آن مسئله را تعریف کرده و راه حل‌های مختلف را تولید نموده، تصمیم‌گیری کرده و یک راه حل را انتخاب می کنند. در واقع، حل مسئله بر این فرض استوار است که مردم اغلب بریک هدف نهائی تثبیت می‌شوند و از تفکر در مورد راهبردهای مختلف که نوعاً مشکلات بین فردی را حل می‌کند، ناتوانند و تلاش‌های آن‌ها به شکست می‌انجامد و باعث ناامیدی، کناره‌گیری، پرخاشگری یا افسردگی آنان می‌شود (شات و کلام^۲، ۱۹۸۲). تحقیقات نشان داده اند که افرادی که مهارت‌های حل مسئله خوبی دارند کمتر از کسانی که فاقد این مهارت‌ها هستند دچار افسردگی می‌شوند (شمسی خانی و همکاران، ۱۳۹۳). بعلاوه، کسانی که روش حل مسئله را به کار می‌برند، عزت نفس بالایی دارند (هامارتا^۳، ۲۰۰۹) و اختلالات روان‌شناختی کمتری را نشان می‌دهند (شکوهی و همکاران، ۲۰۱۱).

در راهبرد آموزش حل مسئله این باور وجود دارد که تحت تأثیر این آموزش میزان انگیزش پیشرفت و شادکامی افراد افزایش خواهد یافت (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲). با وجود این، مطالعات نشان داد که تا کنون مطالعه خاصی در زمینه تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی صورت نگرفته است و این خلاء در دانش، باعث طرح سوال اصلی پژوهش شد. بنابراین سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دختران بی سرپرست شهر تهران اثربخش می‌باشد؟

-
1. Eskin, Ertekin, Demir
 2. Schotte & Clum
 3. Hamarta

روش

تحقیق حاضر از نظر نحوه گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل یک تحقیق نیمه آزمایشی بوده است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر بی سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران بوده که از این بین، ۴۰ نفر از دانش‌آموزان دارای مشکلات سلوکی، با استفاده از آزمون تشخیص اختلال سلوک شهریوری و همکاران (۱۳۸۹) به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه تحقیق انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که این ۴۰ نفر به صورت تصادفی به دو گروه کنترل (۲۰ نفر) و آزمایش (۲۰ نفر) واگذار و آموزش الگوی حل مسأله در مورد گروه آزمایش به کار برده شد. ابزار اندازه‌گیری تحقیق حاضر عبارت بودند از:

پرسشنامه تشخیص اختلال سلوک: به منظور تشخیص دانش‌آموزان دارای اختلال سلوک، از پرسشنامه تشخیص اختلال سلوک شهریوری و همکاران (۱۳۸۹) که دارای ۳۵ سؤال پنج‌گزینه‌ای در طیف لیکرت (هرگز تا همیشه) می باشد استفاده شد. این آزمون دارای ۵ خرده‌مقیاس: پرخاشگری، بی مسئولیتی، فریبکاری، خرابکاری و روابط بین فردی ضعیف می باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای مجموعه پرسش‌ها در میان ۵۱۵ آزمودنی برابر با ۰/۹۷۵ بوده است. همبستگی بین فرم‌ها برابر با ۰/۸۵۸ و پس از تصحیح با فرمول پیشگویی اسپیرمن براون برابر با ۰/۹۲۳ بوده است. ضریب تنصیف گاتمن برابر با ۰/۹۲۳ بوده است. همبستگی بین نمرات به دست آمده از دو اجرا برابر با ۰/۹۷۳ بود که نشان دهنده‌ی پایایی بالای آزمون در طول زمان است. لازم به ذکر است که نقطه برش این آزمون نمره ۶۰ گزارش شده است.

روش اجرا: دوره آموزشی مهارت حل مسئله در ۷ جلسه دو ساعته به مدت ۷ هفته، با حضور گروه آزمایش و با استفاده از شیوه‌های بحث گروهی، بارش فکری و بحث درگروه‌های کوچک ۳ نفره، با بهره‌گیری از الگوی حل مسئله اجتماعی دی زوریلا و همکاران (۲۰۰۷)

برگزار گردید. در این روش جلسه نخست، به معرفی اعضای گروه و بیان اصول گروه درمانی و انواع مقابله به علاوه تمرینات مربوط به آن اختصاص یافت. در جلسه دوم به بحث گروهی درباره فواید برنامه ریزی برای مشکل پرداخته شد. در همین جلسات شناخت‌های ناکارآمد اصلی در حل مشکل و یافتن آنها در اعضای گروه مورد بررسی قرار گرفت، البته با چالش‌های کلامی و بحث گروهی سعی در تعدیل آنها شد. در جلسه سوم یافتن دقیق مشکل و تبدیل آن به اجزای ساده‌تر و بدون ابهام به همراه توصیف عملیاتی از مشکل مدنظر قرار گرفت و روش سیال سازی یا بارش ذهنی آموزش داده شد و مورد تمرین قرار گرفت. در جلسه چهارم از روش بارش ذهنی برای مشکلات واقعی آزمودنی‌ها استفاده شد. در جلسه پنجم ارزیابی راه حل‌ها و اولویت بندی آنها مورد توجه قرار گرفت و آزمودنی‌ها تشویق شدند که به ارزیابی راه حل‌های پیشنهادی خود در خصوص مشکلات پردازند. در جلسه ششم به تمرین بیشتر روش حل مسئله بر اساس داستان‌های از پیش آماده شده پرداخته شد. در پایان این جلسه، آزمودنی‌ها تشویق شدند به منظور حل مشکلات خود دست به اقدام بزنند و گام به گام روش حل مسئله را اجرا کنند. در جلسه هفتم آزمودنی‌ها به گزارش فرآیند و نتیجه روش حل مسئله در حل مشکلات شخصی پرداختند و سودمندی این روش را در حل مشکل خود مورد ارزیابی قرار دادند. سرانجام از آزمودنی‌ها در خصوص این جلسات پسخوراند دریافت شد تا میزان مفید بودن و اثر آن در تغییر افکار و احساسات آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گیرد. لازم به ذکر است در پایان هر جلسه، تکلیف مربوط به همان جلسه به آزمودنی‌ها ارایه شد تا در فاصله بین جلسات به آنها پردازند و در پایان جلسه بعد به بررسی و صحبت درباره آنها پرداخته شد.

نتایج

در این پژوهش جهت توصیف، طبقه بندی و تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آمار توصیفی شامل شاخص‌های میانگین، انحراف معیار و آمار استنباطی شامل تحلیل کوواریانس یک راهه استفاده شد. یافته‌های جمعیت شناختی تحقیق حاضر نشان داد که ۲۰ درصد

از دانش‌آموزان، پدرانشان شاغل و ۸۰ درصد پدرانشان بیکار بوده‌اند و همچنین ۵ درصد از مادران شاغل و ۹۰ درصد از مادران نیز بیکار گزارش شده‌بودند. علاوه بر این، ترتیب تولد آزمودنی‌ها نشان داد که ۵ درصد از آنها فرزند اول، ۱۰ درصد فرزند دوم و ۸۵ درصد نیز فرزند سوم و بالاتر خانواده بوده‌اند.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون مشکلات سلوکی، پرخاشگری، بی‌مسئولیتی، فریبکاری، خرابکاری و روابط بین فردی ضعیف را در دو گروه آزمایشی و کنترل نشان می‌دهد. با توجه به داده‌های زیر، بین دو گروه در پس‌آزمون تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک مرحله زمان اجرا در گروه‌ها

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		گروه	متغیر
SD	M	SD	M		
۱۳/۹۴	۶۵/۱۵	۱۴/۶۵	۶۵/۹۰	کنترل	مشکلات سلوکی
۱۵/۵۷	۵۳/۴۰	۱۴/۳۹	۶۶/۶۰	آزمایش	
۳/۶۳	۱۵/۶۰	۳/۹۹	۱۵/۹۵	کنترل	پرخاشگری
۴/۶۰	۱۲/۵۵	۴/۷۰	۱۶/۰۵	آزمایش	
۳/۹۱	۱۴/۶۰	۳/۹۵	۱۴/۶۵	کنترل	بی‌مسئولیتی
۴/۱۰	۱۲/۱۵	۳/۹۳	۱۴/۷۵	آزمایش	
۳/۵۵	۱۳/۸۵	۳/۶۴	۱۳/۹۵	کنترل	فریبکاری
۳/۸۹	۱۲/۰۵	۳/۶۹	۱۳/۹۰	آزمایش	
۲/۴۹	۹/۳۰	۲/۷۰	۹/۵۰	کنترل	خرابکاری
۲/۵۶	۷/۸۰	۲/۱۶	۹/۴۵	آزمایش	
۲/۵۶	۱۱/۸۰	۲/۵۸	۱۱/۸۵	کنترل	روابط بین فردی ضعیف
۲/۵۳	۸/۲۵	۲/۹۹	۱۱/۹۵	آزمایش	

به منظور تحلیل کوواریانس ابتدا مفروضه همگنی واریانس‌ها با استفاده از آزمون لوین، نرمال بودن داده‌ها بر اساس آزمون کولموگروف اسمیرنوف، عدم همبستگی هم‌پراش با یکدیگر بوسیله

تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دانش آموزان دختر بی سرپرست

آزمون همبستگی پیرسون و خطی بودن رگرسیون نیز مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که مفروضه‌های مطرح شده محقق شد، از روش تحلیل کوواریانس جهت بررسی فرضیه پژوهشی استفاده شد. مندرجات جدول ۲ نشان می‌دهد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل از نظر مشکلات سلوکی تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=8/10, P<0/05$). بنابراین، ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله موجب کاهش مشکلات سلوکی دختران بی سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری در مورد اثربخشی مداخله بر مشکلات سلوکی در گروه‌ها

منبع	SS	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۱۶۵۷/۳۵۵	۱	۱۶۵۷/۳۵۵	۹/۲۲۷**	۰/۸۴
گروه	۱۴۵۵/۵۳۵	۱	۱۴۵۵/۵۳۵	۸/۱۰۳**	۰/۷۹
خطا	۶۶۴۵/۹۹۵	۳۷	۱۷۹/۶۲۷		

** $p \leq 0.01$

بنابراین باتوجه به ($F=7/15, P<0/05$) در جدول ۳ می‌توان بیان کرد بین پرخاشگری دو گروه تفاوت آماری معناداری وجود دارد و میانگین پرخاشگری در گروه گواه بالاتر از گروه آزمایش است. بدین معنی که مداخله در کاهش پرخاشگری اثر داشته است.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری در مورد اثربخشی مداخله بر نمره پرخاشگری گروه‌ها

منبع	SS	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۱۵۷/۸۶۴	۱	۱۵۷/۸۶۴	۱۱/۷۷۹**	۰/۹۲
گروه	۹۵/۸۸۲	۱	۹۵/۸۸۲	۷/۱۵۴*	۰/۷۴
خطا	۴۹۵/۸۸۶	۳۷	۱۳/۴۰۲		

** $p \leq 0.01$, * $p \leq 0.05$

همچنین نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون متغیر بی مسئولیتی گروه‌های آزمایش و کنترل (جدول ۴) نشان داد که بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد ($F=7/59, P<0/05$). بنابراین فرضیه تحقیق تحت عنوان، آموزش مهارت‌های حل مسئله بر میزان بی مسئولیتی دختران بی سرپرست اثربخش است، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

Vol.6, No.3/85-100

دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۳/۱۰۰-۸۵

جدول ۴. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری در مورد اثر بخشی مداخله بر بی‌مسئولیتی در گروه‌ها

منبع	SS	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۳۰۱/۶۱۲	۱	۳۰۱/۶۱۲	۳۶/۰۲۹**	۱
گروه	۶۳/۵۶۸	۱	۶۳/۵۶۸	۷/۵۹۴**	۰/۷۶
خطا	۳۰۹/۷۳۸	۳۷	۸/۳۷۱		

**p≤0.01, *p≤0.05

همچنین داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد بین گروه آزمایش که تحت ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله قرار گرفته‌اند و گروه کنترل که تحت مداخله قرار نگرفته‌اند از نظر فریبکاری تفاوت معنی داری وجود ندارد، بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار نمی‌گیرد (F=۳/۶۱۷، P<۰/۰۵).. به عبارت دیگر، ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله موجب کاهش فریبکاری دختران بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران نشده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری در مورد اثر بخشی مداخله بر فریبکاری در گروه‌ها

منبع	SS	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۲۰۹/۷۵۴	۱	۲۰۹/۷۵۴	۲۴/۲۷۲**	۱
گروه	۳۱/۲۵۷	۱	۳۱/۲۵۷	۳/۶۱۷	۰/۴۶
خطا	۳۱۹/۷۴۶	۳۷	۸/۶۴۲		

**p≤0.01, *p≤0.05

مندرجات جدول ۶ نشان می‌دهد که F محاسبه شده (F=۵/۶۹۶). در سطح P<۰/۰۵ معنادار است، بنابراین نتیجه می‌گیریم که آموزش مهارت حل مساله بر کاهش خرابکاری دانش‌آموزان گروه آزمایش موثر بوده است. لذا فرض صفر رد گردیده و فرض خلاف تأیید گردیده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری در مورد اثر بخشی مداخله بر خرابکاری در گروه‌ها

منبع	SS	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۱۰۳/۷۷۰	۱	۱۰۳/۷۷۰	۲۴/۲۷۲**	۱
گروه	۲۱/۴۹۷	۱	۲۱/۴۹۷	۲۴/۲۷۲*	۰/۶۴
خطا	۱۳۹/۶۳۰	۳۷	۳/۷۷۴		

**p≤0.01, *p≤0.05

تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دانش آموزان دختر بی سرپرست

جدول ۷، نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری روی نمرات پس آزمون متغیر روابط بین فردی ضعیف گروه‌های آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد. همانگونه که مشاهده می‌شود بین گروه آزمایش که تحت ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله قرار گرفته‌اند و گروه کنترل که تحت مداخله قرار نگرفته‌اند از نظر روابط بین فردی ضعیف تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.05$)، $F=18/667$). بنابراین ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله موجب کاهش روابط بین فردی ضعیف دختران بی سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران شده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل کواریانس تک متغیری در مورد اثربخشی مداخله بر روابط بین فردی ضعیف

در گروه‌ها					
منبع	ss	df	MS	F	توان آزمون
پیش آزمون	۵۳/۰۶۹	۱	۵۳/۰۶۹	۱۰/۱۲۸*	۰/۸۷
گروه	۹۷/۸۱۸	۱	۹۷/۸۱۸	۱۸/۶۶۷**	۰/۹۹
خطا	۱۹۳/۸۸۱	۳۷	۵/۲۴۰		

** $p \leq 0.01$, * $p \leq 0.05$

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش تاثیر آموزش الگویابی حل مساله اجتماعی را بر کاهش مشکلات سلوکی دختران بی سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان دادند که آموزش حل مسئله موجب کاهش پرخاشگری دختران بی سرپرست شده است. در واقع برای عملکرد موثر در موقعیت‌های مختلف، کودکان باید توانایی کنترل برانگیختگی هیجانی و تعدیل پاسخ‌های عاطفی خود را داشته باشد، در غیر این صورت به صورت تکانشی رفتار می‌کنند. بر این اساس می‌توان تاثیر آموزش الگویابی حل مساله را در این فرایند این گونه تبیین نمود که کودکان مبتلا به اختلال سلوک با استفاده از آموزه‌های این برنامه آموزشی باید فرایند مساله گشایی را یاد بگیرند و با اجتناب از پاسخ‌های فوری تکانشی، جنبه‌های مهم هر مشکل را شناسایی و راه حل‌های ممکن را برای آن در نظر گرفته و در نهایت انطباقی ترین راه را انتخاب کنند (کابوسی و قربانی، ۱۳۹۵؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸). حل مساله عبارت است از فرایند شناختی- رفتاری که توسط خود

فرد هدایت می‌شود و فرد سعی می‌کند با کمک آن راه حل‌های موثر یا سازگارانه‌ای برای مسایل زندگی روزمره خویش پیدا کند که این مهم در کاهش پرخاشگری وی نیز تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین نتایج نشان داد بین گروه آزمایش که تحت ارائه آموزش حل مسئله قرار گرفته‌اند و گروه کنترل که تحت مداخله قرار نگرفته‌اند از نظر بی‌مسئولیتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لازاکی‌دو و ریتالیس (۲۰۱۰) بیان می‌کند آموزش مهارت حل مسئله باعث افزایش مسئولیت‌پذیری، قدرت تصمیم‌گیری و خودگردانی در دانش‌آموزان می‌گردد. احساس مسئولیت‌یابانگر نوعی نگرش و مهارت است که آموختنی و اکتسابی است. افراد باید فرصت داشته باشند که انتخاب‌کنند و تصمیمی بگیرند، کفایت خویش را اعمال نمایند و وظایفی را که با توانایی‌های وی مطابقت دارد، به انجام رسانند. نکته مهمی که در حل مسائل وجود دارد این است که همه افراد یک جامعه از روشی یکسان برای حل مسائل مشابه استفاده نمی‌کنند. هر کس براساس اطلاعات، مهارت‌ها، شخصیت و اهمیتی که برای آن مسئله قائل است؛ روش خاص خود را در حل مسائل به کار می‌برد و البته مسلماً نتیجه حاصل نیز متمایز از سایر روش‌ها خواهد بود که این مهم نشان از اهمیت روش حل مسئله در بین افراد دارد که بهبود سطح آن می‌تواند در انجام بهتر و متعهدانه مسئولیت‌ها تأثیرگذار باشد که می‌توان نتایج تحقیق حاضر را نیز در همین راستا دانست.

همچنین نتایج نشان داد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل از نظر فریبکاری تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین ارائه آموزش مهارت‌های حل مسئله موجب کاهش فریبکاری دختران بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران نشده است. علت این عدم تأثیرگذاری را می‌توان در این نکته دانست که احتمالاً متغیرهای دیگری بر روی فریبکاری دختران تأثیرگذار بوده‌اند که از جمله این متغیرها می‌توان به ساختار جامعه، فرهنگ حاکم بر جامعه، انتظارات از دختران و نوع بازخورد به فریبکاری دختران اشاره نمود.

بعلاوه داده‌های پژوهش حاضر نشان داد که ارائه آموزش الگویابی حل مسئله اجتماعی موجب کاهش خرابکاری دختران بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران شده است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات بابایی و همکاران (۱۳۹۰) و رنر و همکاران (۲۰۱۲) همسو می‌باشد. رفتارهای بزهکارانه افراد مبتلا به مشکلات رفتاری معلول تجربه ناکافی یادگیری اجتماعی آنان است. یعنی محیط گذشته آنان آموزش‌های لازم برای یادگیری رفتارهای مناسب را فراهم نکرده است. بنابراین، فقدان رفتارهای مناسب، آنها را به متکی شدن به افراد منحرف همسال خود سوق می‌دهد که این امر باعث توسعه مشکلات رفتاری در آنها میگردد (همتی و شجاعی، ۱۳۸۴). یکی از راه‌های پیشگیری از بروز مشکلات رفتاری، افزایش ظرفیت روان‌شناختی و توانایی مواجهه شخص با انتظارات و دشواری‌های زندگی روزمره است که از طریق آموزش مهارت حل مسئله جامعه عمل می‌پوشد (بخشایش و دهقان زردینی، ۱۳۹۲). در واقع هدف این آموزش این است که به کودکان و نوجوانان توقف تفکر و درگیر شدن منطقی در حل مساله را پیش از درگیر شدن در یک عمل به طور تکانشی آموزش دهد.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که ارائه آموزش الگویابی حل مسئله اجتماعی موجب کاهش روابط بین فردی ضعیف دختران بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران شده است. نتایج تحقیق حاضر با نتایج مطالعات زنوزیان و همکاران (۱۳۸۹) و هارتمن و همکاران (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. روابط بین فردی فرایندی است که در آن یک فرد از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی اطلاعات و احساسات خود را به فرد یا افراد دیگری منتقل می‌کند که این امر منتهی به تقویت رابطه با دیگران و رفع تضادها و تعارض‌ها می‌شود. در واقع فرد باید ظرفیت عاطفی برای برقراری روابط موثر با دیگران را داشته باشد. از جمله عوامل مهم در تعامل‌های اجتماعی و حل مساله، ظرفیت برقراری پیوند مثبت و سازنده با دیگران، ایجاد و گسترش اعتماد دوجانبه، شناسایی و پاسخ دهی مناسب به علایم هیجانی می‌باشند. نارسایی در هریک از این حوزه‌ها به توانایی فرد در انطباق اجتماعی آسیب می‌رساند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین آموزش مهارت حل مساله در

کودکان مبتلا به اختلال سلوک، موجب بهبود سازگاری اجتماعی و روابط بین فردی آنان می‌شود. در حقیقت، ارتقای مهارت‌های ارتباطی باعث مقابله موثر افراد با موقعیت‌ها می‌شود و شخص را قادر می‌سازد تا با سایر افراد جامعه، فرهنگ و محیط خود به گونه مثبت و سازگارانه عمل کند و در بهبود و سلامت روان‌شناختی افراد موثر است (اسپنسر، ۲۰۰۶). آموزش مهارت‌های حل مساله با بهبود بخشیدن به مهارت‌های بین فردی باعث افزایش سازگاری و مقابله با مشکلات زندگی و انجام تصمیم‌گیری‌های صحیح می‌شود (شکوهی و همکاران، ۱۳۹۳)

بر اساس نتایج پژوهش حاضر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که با استفاده از آموزش حل مساله می‌توان به کودکان مبتلا به اختلال سلوک کمک کرد تا استرس‌های روانی خود را کاهش دهند و با کاهش مشکلات بتوانند دوباره انگیزه‌ها و تجربه‌های عاطفی صحیح را تجربه کنند و رفتارهای آموخته شده را به محیط خارج از موقعیت درمانی تعمیم داده و رفتارهای انطباقی آموخته شده را پس از اتمام درمان حفظ کنند. از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه مورد مطالعه که شامل دانش‌آموزان دختر بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران بوده است اشاره کرد که در این راستا در تعمیم نتایج به جامعه خارج از این حوزه باید جانب احتیاط را رعایت نمود. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با استفاده از نمونه پسران به تعمیم پذیری نتایج کمک کرد. همچنین مطالعه‌ای بر روی تاثیر مهارت حل مساله بر سلامت روان دختران بی‌سرپرست مقطع دبیرستان شهر تهران صورت پذیرد.

منابع

- بابایی، مهناز؛ یزدی، سیده منور و حسینیان، سیمین (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی بازی درمانی رهنمود بر اختلال سلوکی دانش‌آموزان دبستانی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۷(۱)، ۶۴-۴۹.
- بخشایش، علیرضا و دهقان زردینی، راضیه (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بر کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان. مجله علوم رفتاری، ۷(۴)، ۳۵۳-۳۴۷.
- شکوهی یکتا، محسن؛ زمانی، نیره و پورکریمی، جواد (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بین

تأثیر آموزش الگوی حل مسئله اجتماعی بر کاهش مشکلات سلوکی دانش آموزان دختر بی سرپرست

- فردی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی و کاهش مشکلات رفتاری دانش آموزان دیرآموز پایه اول دبستان. مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۰ (۴)، ۳۱-۷.
- شمسی خانی، سهیلا؛ فرمهینی فراهانی، مولود؛ شمسی خانی، سیمین و سبحانی، مرضیه (۱۳۹۳). بررسی تاثیر آموزش مهارت حل مساله بر میزان افسردگی دانشجویان پرستاری. روان پرستاری، ۲(۱)، ۶۳-۷۱. شهریوری، کتایون؛ ناطق، ابراهیم؛ عظیم خانی، امین و عزیزی جوان، حبیب علی (۱۳۸۹). ساخت و هنجاریابی مقیاس درجه بندی تشخیص اختلال سلوک در دانش‌آموزان مقطع پنجم ابتدایی شهر تهران (فرم معلمان). مجله اصول بهداشت روانی، ۱۲ (۳)، ۸۳-۵۷۴.
- زنوزیان، سعیده؛ غرابی، بنفشه و یکه یزدان دوست، رخساره (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش حل مساله در تغییر راهبردهای مقابله ای دانشجویان. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روان‌شناسی دانشگاه تبریز)، ۵ (۲۰)، ۸۳-۱۰۱.
- کابوسی، محمد باقر و قربانی، عالمه (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش شناختی-رفتاری کنترل خشم بر نوجوانان دارای اختلال سلوک. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۶ (۱)، ۲۲-۳۰.
- عطادخت، اکبر؛ نوروزی، حمید و غفاری، عذرا (۱۳۹۲). تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری کودکان دارای اختلال یادگیری. مجله ی ناتوانی های یادگیری، ۳(۲)، ۹۲-۱۰۸.
- عظیمی، فاطمه؛ قربانعلی پور، مسعود و فرید، ابوالفضل (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت حل مساله بر انگیزش پیشرفت و شادکامی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان خوی در سال تحصیلی ۹۰-۹۱. تدریس پژوهی، ۱ (۲)، ۴۲-۳۵.
- محمداسماعیل، الهه (۱۳۸۴). درسنامه درمان رفتاری-شناختی کودکان مبتلا به بیش‌فعالی/کمبود توجه. تهران: دانژه.
- هاشمی، تورج؛ اقبالی، علی و علیلو، مجید محمود (۱۳۸۸). تاثیر خود آموزی کلامی بر بهبود سازگاری اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال سلوک. مجله روان‌شناسی بالینی، ۱ (۲)، ۳۶-۲۹.
- همتی علمدارلو، قربان و شجاعی، ستاره (۱۳۸۴). تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش اختلال سلوک دانش‌آموزان دوره راهنمایی مدرسه امام سجاد (ع). فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره،

- American Psychiatric Association (2002). Diagnostic and Statistical Manual of mental disorders. Washington, Dc; American Psychiatric Association.
- Atadokht, A., Norouzi, H., & Ghaffari, O. (2014). The effect of social problem-solving training on psychological well-being and resiliency in students with learning difficulties. *Journal of Learning Disabilities*, 3(2), 92-108. (Persian).
- Azimi, F., Ghorbanali Poor, M. & Farid, A (2013). Effectiveness of Problem Solving Skills Training on The Motivation of Progress and Happiness of High School Girl students in the City of Khoy in the 2011-12 Academic Year. *Teaching Research*, 1(2), 35-42. (Persian)
- Babaie, M., Yazdi, S. M. & Hosniyan, S (2011). The Effectiveness of Play Therapy on the Conduct Disorder in Elementary School Students. *Journal of New Thoughts on Education*, 7(1), 49-64. (Persian)
- Bakhshayesh, A. R., Dehghan Zardini, R. (2013). The Effectiveness of Problem Solving Skills Training on Students' Behavioral Problems. *Journal of Behavioral Science*, 7(4), 347-353. (Persian)
- Beck, A (2008). The evolution of the cognitive model of depression and its neurobiological correlates. *American Journal of Psychiatry*, 165(8), 969-77.
- Caroline, M., David J., Hawes, M.R., Dadds (2017). Mapping the developmental pathways of child conduct problems through the neurobiology of empathy. *Journal of Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, In Press.
- Chibanda, D., Mesu, P., Kajawu, L., Cowan, F., Araya, R., Abas, M. A. (2011). Problem-solving therapy for depression and common mental disorders in Zimbabwe: piloting a task-shifting primary mental health care intervention in a population with a high prevalence of people living with HIV. *BMC public health*, 11(1), 828.
- Choo, C. (2014). Adapting Cognitive Behavioral Therapy for Children and Adolescents with Complex Symptoms of Neurodevelopmental Disorders and Conduct Disorders. *Journal of Psychological Abnormalities in Children*, 3(3), 1-3.
- Delvecchio T. & Oleiri D (2003). Effectiveness of angry : treatment specific angry problems : A Meta analysis review. *Journal of clinical psychological*, 38, 287 – 288.
- DZurila ,T. J. & Nezu, A. M (2007). Problem solving therapy: A positive approach to clinical intervention, 3rd edn, Springer, new York.
- Eskin, M., Ertekin, K. & Demir, H (2008). Efficacy of a problem-solving therapy For depression and suicide potential in adolescents and young adults. *Cognitive Therapy and Research*, 32(2), 227-45.
- Gellis, ZD., Kenaley, B (2008). Problem-solving therapy For depression in adults: a systematic review. *Research on Social Work Practice*, 18(2), 117-31.
- Hamarta, E (2009). A prediction of self-esteem and life satisfaction by social problem solving. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 37(1), 73-82.
- Hartmann, A., Bonnaud-Antignac, A., Cercle, A., Dabouis, G. & Dravet, F (2007). Coping and Changing with Cancer: Patients and Close Partners Point of View. *Journal of Clinical Psychology*, 13, 169-183.

- Hashemi, T., Eghbali, A., Alilu, M. M. (2009). The Impact of Verbal Self Instruction on Social Adjustment of Children with Conduct Disorder. *Journal of Clinical Psychology* 1(2), 29-36. (Persian)
- Hemmati Alamdarloo, Gh., Shojaie, S. (2005). The Impact of Life Skills Training on Conduct Disorder Reduction among guidance school student of Imam Sajjad School. *Journal of Counseling Research & Developments*, (16), 73-91. (Persian)
- Kabosi, M. B., Ghorbani, A. (2016). The Effectiveness of Cognitive Behavioral Anger Management Training on Adolescents with Conduct Disorder. *Exceptional Education*, 16(1), 22-30. (Persian)
- Lazakidou, G., Retalis, S (2010). Using computer supported collaborative learning strategies for helping students acquire self-regulated problem solving skills in mathematics. *Computers and Education*, 54, 3-13.
- Mohammad Esmaeil, E (2005). Behavioral-Cognitive Textbook in Children with Hyperactivity / Attention Deficit Disorder. Tehran: Danjeh. (Persian)
- Morell, J (2003). Available (online). www.blackwellsynergy.com. Renner, F., Lobbestael, J., Peeters, F., Arntz, A., Huibers, M (2012). Early maladaptive schemas in depressed patients: results From the prospective Zurich study of a community sample. *Journal of Affective Disorders*, 115(1- 2), 112-21.
- Schotte, D. E., Clum, G. A. (1982). Suicide ideation in a college population: A test of a model. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50(5), 690 -6.
- Shahrivari, K., Nategh, E., Azimkhani, A., Azizi Javan, H. A. (2010). Manufacturing and Standardization of Rating Scale for Detection of Conduct Disorder in Tehran's Fifth Grade Elementary Students (Teacher's form). *Journal of Principles of Mental Health*, 12(3), 574-83. (Persian)
- Shamsi Khani, S., FarMihani Farahani, M., Shamsi Khani, S., Sobhani, M. (2014). The Effect of Problem Solving Skills Training on Depression in Nursing Students. *Psychiatric Nursing*, 2(1), 63-71. (Persian)
- Shokoohi Yekta, M., Parand, A., & Ahmadi, A (2011). Effects of teachin problem solving strategies to parents of pre-teens: a study of family relationship. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 15, 957-960.
- Shokuhi Yekta, M., Zamani, N., Poor Karimi, J(2014). The Effectiveness of Interpersonal Problem Solving Skills Training on Increasing Social Skills and Reducing Behavioral Problems of First-Grade Elementary School Students. *Psychological Studies of AL Zahra University Faculty of Educational Sciences and Psychology*, 10(4),7-31. (Persian)
- Spencer, N. J (2006). Social Equalization in Youth: Evidence from A Cross- Sectional British Survey. *The European Journal of Public Health*, 16(4), 368-375.
- Wolff, P.H., Fesseha G) 2005). The orphans of Eritrea: What are the choices? *Am J Orthopsychiatr.* 75, 475-84
- Zenozian, S., Gharaei, B., Yeke Yazdan Dust, R (2010). The Effectiveness of Problem-Solving Education on the change of Student's Coping Strategies. *Modern Psychological Research (Psychology of Tabriz University)*, 5(20), 83-101. (Persian).

The effectiveness of social problem-solving pattern training on reducing the problems of derelict female students

S. Keshavarz¹ & A. Kakavand²

Abstract

The purpose of this study was to determine the effectiveness of critical thinking training on problem solving (efficient and inefficient) students. The research method was quasi-experimental with pretest-posttest design and control group. The population of the study included all first grade high school students in the second district of Ardabil in 2015-2016 academic year. Using cluster random sampling, 60 students were selected and randomly assigned to the experimental group (30 participants) and control group (30 participants). The experimental group received 6 sessions of critical thinking training. Dzorila, Nezoo and Mead-Olivers' social problem solving inventory-revised (2000) was used to gather the data. The data were analyzed by multivariable covariance analysis. The results proved the effect of critical thinking training on problem solving of students. So, the average post-test score of students in the experimental group compared to the control group students was significantly high regarding the efficient problem solving style (positive orientation to problem and rational style of problem solving) and less in the inefficient problem solving style inefficient (negative orientation to problem solving, avoidance style and impulsive style of problem solving). So, we can conclude that critical thinking training has a significant effect on increasing efficient problem solving style of students.

Keywords: critical thinking, efficient problem solving style, inefficient problem solving style, students

1. Department of Psychology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran .

2. Corresponding Author: Department of Psychology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Ali.reza_kakavand@yahoo.com).